

یادداشتی برای جستار

به پیشنهاد مهدی مؤذن جامی، دوست نیک‌اندیش پُرمهر-ام، دارنده‌ی وبلاگ "سیستان" در سایت "ملکوت"، و به همت آقای داریوش محمدپور، بانی این سایت، قرار شد که در سرای 'ملکوتیان' حجره‌ای برای من نیز ترتیب دهند تا مقاله‌های پراکنده‌ی من در چند سایت، یک جا جمع شود. باری، از آن جا که در ازل رُه آدم خاکی به یکی دانه زدند، من هم که در برابر پیشنهاد و سوسه‌ی داشتن یک وبلاگ تاکنون ایستادگی می‌کردم و آن را مال 'جوان‌ها' می‌دانستم (اما، نه 'جاهل‌ها'! به‌خلاف طعنه‌ی آن دوست) سرانجام پذیرفتم و به حلقه‌ی 'ملکوتیان' پیوستم، که به‌خلاف نام‌اش، ساکنان‌اش همه رندان خاکی اند و مرغان زیر کسار.

و اما، چنان که می‌دانیم و می‌دانید، یکی از سودمندترین کاربردهای اینترنت آن است که به‌آسانی تمام نوشتارها را در اختیار خواستاران در چارسوی جهان قرار می‌دهد. و از آن جا که فارسی‌زبانان، به‌ویژه بخش چشمگیری از اهل اندیشه و سخن، از ایرانی و افغانی و تاجیک، در چارگوشه‌ی جهان پراکنده اند، این بانیان خیر سبب شده اند که خواستاران این نوشته‌ها آسان‌تر و یکجای‌تر به آن‌ها دسترس پیدا کنند. این وبلاگ را با گذاشتن چند مقاله و دو مصاحبه آغاز می‌کنم که تاکنون در چند سایت منتشر شده اند. من آن‌ها را برای انتشار در این جا بازبینی کرده ام و به‌ویژه زبان‌نگاره یا شیوه‌ی نگارشی پیشنهادی خود را در آن‌ها یکدست به کار بسته ام. برای این متن‌ها چنان که باید به دست خوانندگان‌شان برسد، مقاله‌ها به صورت PDF ظاهر خواهند شد این نکته را هم لازم می‌دانم بگویم که این مقاله‌ها بلند اند و از آن جا که سرسری نوشته نشده اند، مرور سرسری آن‌ها بی‌فایده است. بهتر آن است که خوانندگان اهل نظر آن‌ها را چاپ کنند و سر فرصت بخوانند.

در مورد زبان‌نگاره (یا، به‌اصطلاح، رسم‌الخط) این مقاله‌ها یادکرد چند نکته‌ی اصلی را برای خوانندگان ضروری می‌دانم. (برای دلایل آن‌ها نگاه کنید به : داریوش آشوری، 'چند پیشنهاد در باره‌ی روش نگارش و خط فارسی' و 'سر هم نویسی و جدانویسی' در *بازاندیشی زبان فارسی*، نشر مرکز، تهران.)

۱. از آن جا که /ی/ پایانی در فارسی چندین گونه است من /ی/ (یای دو نقطه در زیر) را برای /ی/ نکره یا وحدت به کار می‌برم، برای جدا کردن آن از یای مصدری، یای نسبت، یای توانشی (لیاقت) و جز آن‌ها.

۲. 'کسره‌ی اضافه' را همه‌جا می‌نویسم، زیرا که یک تکواژ (morpheme) یا کلمه است، دارای نقش دستوری مهم و بسایند. (نگاه کنید به *بازاندیشی*، همان.)

۳. ترکیب‌های عطفی در فارسی فراوان اند و از ویژگی‌های زبان فارسی و مایه‌ی ظرافت و شیرینی آن اند. بسیاری از این ترکیب‌ها ساختار تصویری زیبا و رنگ‌های معنایی و زیرمعنایی بیش از اجزاء خود یا جدا از آن‌ها دارند، مانند آب-و-رنگ، آب-و-گل، (بی)سر-و-پا، سر-و-دست (شکسته)، (خوش)بر-و-رو، زاد-و-رود، داد-و-گرفت، پرت-و-پلا، درد-و-بلا. من این‌ها را با دو تیره‌ی وصل به هم می‌چسبانم، زیرا که این‌ها با هم یک واحد دستوری، اسم یا صفت یا قید، می‌سازند. ترکیب‌هایی مانند هند-و-اروپایی را نیز همین گونه. این که رسم شده است فاصله‌ی میان تکواژهای این ترکیب‌ها را در متن‌های چاپی برمی‌دارند، راه حل درستی نمی‌دانم، زیرا سبب نادرست-خوانی می‌شود. ترکیب‌هایی را نیز که از چند جزء تشکیل می‌شوند، هر جا لازم بدانم، به همین شیوه به هم می‌چسبانم، مانند از-پیش-داده.

۴. ضمیرهای 'متصل' (أم، ات، اش، ـمان، ـتان، ـشان) را هم از نظر دستوری متصل نمی‌دانم، زیرا اتصال‌شان به کلمه‌ی پیش از خود آوایی (enclitic) است نه به صورت ترکیب دستوری. بنا بر این، آن‌ها را هم، برای روشن‌تر بودن ساختمان جمله و درست خوانده شدن، جدا، اما بی‌فاصله، می‌نویسم. صورت‌های صرفی زمان حال فعل بودن یا هستن (أم، ای، است، ایم، اید، اند) را نیز جدا اما با فاصله می‌نویسم، زیرا فعل جمله اند نه جزئی از کلمه‌ی پیشین، اگر چه با آن ترکیب آوایی می‌سازند. (نگاه کنید به بازاندیشی، همان.)

داریوش آشوری

پاریس، آوریل ۲۰۰۴